

نقش پیوستگی فضاهای سبز در هویت بخشی طبیعی به شهر (مورد مطالعاتی شهر کرد)

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۳/۳۱

اسماعیل شیعه* - حسین مشرف دهکردی**

چکیده

تأمین نیازهای امروزی انسان‌ها در چارچوبی منطقی و عادلانه، بشر را به پیروی از اصول توسعه پایدار رهنمون می‌سازد. اصالت بخشی و حفظ هویت شهری، یکی از شاخص‌های مهم زندگی از دیدگاه توسعه پایدار است. هویت بخشی زمانی در راستای توسعه پایدار است که از جامعیت برخوردار باشد از این رو توزیع عادلانه امکانات در دو مبحث درون نسلی و میان نسلی، گامی در جهت تحقق اهداف پایداری می‌باشد. بنابر تحقیقات صورت گرفته بر هویت شهر کرد به عنوان شهری سبز و دارای طبیعت بکر تأکید شده است ولی روند گسترش شهر در سال‌های گذشته به گونه‌ای بوده که از فضای سبز داخل شهر و پیرامون آن به میزان قابل توجهی کاسته شده است و افزایش ساخت و ساز شهری همچنان هویت طبیعی شهر را تهدید می‌کند. در این تحقیق با مطالعه وضعیت گذشته شهر در دوره‌های مختلف، نقش عناصر هویت بخش شهر مورد بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد پیوستگی فضاهای سبز شهری در گذشته و رعایت معیارهای مکانی، توالی برای درک منظر طبیعی شهر را تقویت کرده، نقش مهمی در افزایش کارایی فضاهای شهری و ارتقاء هویت طبیعی شهر کرد داشته است. هدف این مقاله دستیابی به روشی مناسب جهت هویت بخشی طبیعی به شهر در راستای توسعه پایدار است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، هویت شهری، پیوستگی فضای سبز، شهر کرد.

* دانشیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

** کارشناس ارشد شهرسازی، دانشکده شهرسازی و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

شهرها و فضاهای شهری در گذشته، از استقلال، شخصیت و هویت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند ولی امروزه ساختار اصلی بسیاری از شهرها یکنواخت و شبیه به هم شده است. در اغلب طرح‌ها، به جای آن که به چشم‌اندازهای طبیعی، بومی و در دسترس توجه شود، پوشش گیاهی یکنواخت و بناهای ناهماهنگ با بافت سنتی، ساخته می‌شود. در اغلب برنامه‌های شهرسازی ارتباط با طبیعت، که یکی از عوامل اصلی در تعریف هویت شهر می‌باشد، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. برنامه‌ریزی بدون در نظر گرفتن گستردگی فضاهای سبز اطراف شهرها و تجربیاتی که با تحمل رنج‌های بسیار به دست آمده، به وضوح روشن کرده است که محیط‌های انسانی، هر کجا به حال خود رها شده‌اند، کاملاً شکست خورده‌اند (Tibalz, 2008, p.5). فضاهای سبز علاوه بر تأمین نیازهای اقتصادی، زیست محیطی و بهداشتی، امکانات رفاهی مناسبی برای گذران اوقات فراغت ایجاد کرده، تأثیرات روانی زیادی بر کیفیت زندگی شهری دارند. امروزه نبود فضای سبز مناسب در شهرهای بزرگ موجب به وجود آمدن مشکل‌های روحی و جسمی فراوانی شده است. یکی از مهم‌ترین خواص فضاهای طبیعی، هویت بخشی به شهرها می‌باشد به گونه‌ای که این فضاها در برجسته‌سازی و افزایش خوانایی نشانه‌های شهری نقش قابل توجهی را ایفا می‌کنند (Bahramsoltani, 2005, p.121). فضاهای سبز بر حسب مقیاس و شکل خود، به عنوان یکی از عوامل مشخصه شهر عمل کرده و تشخیص و هویت شهر را تقویت می‌کنند. یکی از شاخص‌های شناسایی هویت فرهنگی شهر، مؤلفه طبیعی است (Behzadfar, 2007, p.54). گسترش بی‌رویه شهرها، تهدیدی برای محیط زیست به شمار رفته و اثرات نامطلوبی بر کارکرد سامانه‌های طبیعی مانند پوشش‌های گیاهی، شبکه آب‌های سطحی و زیرزمینی و کیفیت هوای محدوده شهرها داشته است. در بسیاری از موارد تغییر کاربری زمین، بدون توجه به ساختار پیوسته فضاهای سبز و ارتباط آن‌ها با محیط پیرامون صورت گرفته است. عدم توجه به اصل پیوستگی فضاهای سبز، ماهیت طبیعی و عملکردی آن‌ها را دستخوش تغییر کرده است و علی‌رغم تلاش‌هایی که در زمینه افزایش و یا حفظ این فضاها انجام می‌پذیرد، اغلب این فضاها، کارآیی اصلی خود را از دست داده و پس از مدتی به نواحی فاقد پشتیبان و بی‌هویت تبدیل شده‌اند. محیط‌های ناپایدار شهری، هویت خود را از دست داده و شهروندان به سکونت در محل‌های جدید تمایل پیدا کرده‌اند.

هر چند در ابتدا تلاش اغلب نظریه پردازان، برنامه‌ریزان و طراحان شهری، حفظ و ارتقاء نقش عناصر طبیعی در شهرها به منظور حفظ آثار فیزیکی این منابع بوده است، ولی با گذشت زمان، حضور در فضاهای سبز از نیاز فیزیکی به نیاز روانی تبدیل شد. استفاده از فضاهای سبز، به عنوان راهکاری برای هویت بخشی طبیعی به شهر مطرح و اهمیت مکان‌یابی فضاهای سبز در شهرها، ابعاد بیشتری یافت. توزیع عادلانه فضاهای سبز شهری، می‌تواند پاسخگوی نیازها و تأمین‌کننده رضایت تمام ساکنین باشد. از این‌رو شناخت و بررسی الگوهای پراکنش فضاهای سبز شهری در عرصه برنامه‌ریزی و طراحی شهری، اهمیت زیادی دارد. در رویکردهای جدید برنامه‌ریزی شهری، نه تنها وجود فضاهای سبز، بلکه چگونگی توزیع آن در مناطق مختلف و ارتباط شهر با طبیعت پیرامون خود، در پایداری فضاهای شهری بسیار حائز اهمیت است. حفظ پیوستگی فضاهای سبز شهری، علاوه بر افزایش دسترسی ساکنین و مشارکت بیشتر آن‌ها در امور شهری، نقش مهمی در ادراک سرسبزی و هویت طبیعی شهر دارد. این مسأله، به عنوان یک ضرورت، کمتر مورد توجه قرار گرفته و در بسیاری از موارد، عدم آگاهی از فواید آن، سبب تفکیک، تخریب و در نهایت ناکارآمدی فضاهای سبز در مناطق مختلف گشته است. در واقع ساز و کار مدیریت فضاهای سبز شهری امری بسیار ظریف، مهم و حیاتی است و لازمه حفظ و توسعه فضاهای سبز شهری، داشتن برنامه‌ها و خط مشی‌های صحیح و به‌کارگیری روش‌های علمی در این تحقیقات است.

در این مقاله شهرکرد، که در گذشته دارای بافت منسجم طبیعی و تنوع زیست محیطی و هویت طبیعی مناسب بوده است، به عنوان مورد مطالعاتی انتخاب شده است. تحقیقات نشان می‌دهد فضاهای سبز موجود در این شهر در مقایسه با سال‌های گذشته به میزان زیادی کاهش یافته و این مسأله هویت طبیعی شهر را تحت شعاع قرار داده است. در این تحقیق با استفاده از اسناد موجود و مصاحبه با مسئولین ذی‌ربط و افراد صاحب نظر و با تجربه، به مطالعه وضعیت هویت شهرکرد پرداخته شده است. با استفاده از عکس‌های هوایی دهه‌های قبل از کمیت فضاهای سبز منطقه آگاه شده و با کمک نقشه‌های ذهنی ساکنین شهر، عناصر هویت بخش شهر شناسایی و کیفیت استفاده از هر کدام از فضاها مورد بررسی قرار گرفته است. ساختار و روش انجام تحقیق در این مقاله، به‌کارگیری روش‌های اسنادی، توصیفی، تحلیلی می‌باشد. مراحل این تحقیق شامل مطالعه اسناد تاریخی گذشته، مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات، بررسی نقش عناصر طبیعی هویت بخش شهری، بررسی وضع موجود منابع طبیعی و ملزومات حفظ و ایجاد فضای سبز، ریشه‌یابی کمبودها، تجزیه و تحلیل و ارائه راهکارهای مناسب می‌باشد. نوع تحقیق به جهت امکان استفاده عملی از نتایج آن، کاربردی- توسعه‌ای به حساب می‌آید. هدف اصلی تحقیق «دستیابی به روشی مناسب جهت هویت بخشی طبیعی به شهرها» می‌باشد. انجام تحقیقات و اقدام‌های عملی در زمینه مکان‌یابی و توسعه این فضاها، به گونه‌ای که تمایز اقلیمی منطقه سبب ارتقاء کمیت و کیفیت زیستگاه‌های مورد نظر باشد، ضروری به نظر می‌رسد.

۱. مفاهیم نظری

۱-۱- توسعه پایدار

اصطلاح توسعه پایدار در خصوص محیط زیست و توسعه در اوایل دهه ۱۹۷۰ به کار برده شده و ریشه آن به رویکرد توسعه اکولوژیک بر می‌گردد که در راهبرد حفاظت جهان آورده شده است. (Barrow, 1995, p. 370) ایده پایداری ریشه در گذشته‌های دور و به تفکرات جنبش‌های زیست محیطی دارد. شاید بتوان گفت پایداری و مبحث آن برآیند تفکرات جبر جغرافیایی و امکان‌گرایی است و اینکه لحاظ نمودن قوانین و محدودیت‌های محیطی همراه با تفکرات بشر و دوراندیشی او می‌تواند به پایداری حیات انسان و اشکال فضایی ساخته شده و طبیعی کمک کند. گزارش برانلند توسعه پایدار را این چنین تعریف می‌کند: رفع نیازهای نسل حاضر بدون کاستن توانایی‌های نسل‌های آینده برای رفع نیازهایشان (Roseland et al., 2003, p.197).

۱-۲- هویت

دهخدا، در بیان اصل «هویت» لفظ «هو» را آورده است (Dehkhoda, 1993, p.20847). هویت در فرهنگ فارسی معین سه معنی دارد: ۱- ذات باری تعالی ۲- هستی و وجود ۳- آنچه موجب شناسایی شخص باشد (Mooin, 1992, p.5228). در فرهنگ لغات واژه هویت به صورت زیر معنی شده است: حقیقتی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود، منسوب به هو، شناسنامه، چیستی، خود، کیستی، همانی و همانستی. اما طبق تعریف متداول، «هویت، احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند» (Behzadfar, 2007, p. 20-23). نقی زاده، عوامل شکل دهنده هویت محیط را به ساختار هویت ساز انسان، محیط و ادغامی از آن‌ها وابسته می‌داند (Naghizadeh, 2007, p.329).

۱-۳- هویت شهری

شهرها مانند بسیاری از موجودات دیگر بر مبنای صفات ممیزه‌ای که آن‌ها را از موجودات و چیزهای دیگر جدا می‌کند، واجد هویت هستند. تعریف هویت شهر ریشه در معنای هویت انسان دارد. هر شهری از جایگاه ویژه طبیعی برخوردار است که بستر طبیعی آن‌را به تصویر می‌کشد این موضوع در قالب هویت شهر مطرح می‌شود (Behzadfar, 2007, p.53-57). هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی خاطرات عمومی در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و شهروندی را به سوی شهروند شدن که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن دارد، هدایت می‌کند. به عقیده لالی هویت شهر، شهروندان را از غیر شهروندان جدا می‌سازد و عکس‌العمل نپذیرفتن هویت شهر، برش از محیط و مهاجرت از آن است (Rezazadeh, 2001, p.6). از سه مؤلفه طبیعی، مصنوع و انسانی برای شناسایی هویت شهرها استفاده می‌شود که هر کدام به دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی تفکیک می‌گردند (Behzadfar, 2007, p.53). یکی از عوامل هویت بخش شهر، مؤلفه طبیعی می‌باشد.

۱-۴- مؤلفه‌های طبیعی هویت شهر

ساختار کالبدی برخی شهرها با عناصر طبیعی و فضاهای سبز منحصر به فرد، چنان آمیخته شده است که طبیعت آن‌ها سایر ابعاد هویتی را تحت شعاع خود قرار داده است. راپاپورت، فضای سبز را پارامتری اساسی در عملکردهای هویتی شهر می‌داند وی معتقد است که عناصری که به فضا سازمان می‌دهند سه دسته‌اند: عناصری که شکل ثابت دارند مثل ساختمان‌ها و بناها، عناصر نیمه ثابت مانند گیاهان و درختان و عناصر متحرک مانند مردم و روابط اجتماعی (Agnew et al., 1984, p.55). ساختار طبیعی یک منطقه به عنوان نخستین بستر فعالیت‌های اولیه تلقی می‌شود. مؤلفه‌های طبیعی شهر در ابعاد زیر قابل بررسی است:

الف- جایگاه کلی طبیعی مثل طول و عرض جغرافیایی و شاخص‌های وابسته به آن.

ب- مؤلفه‌های ساختاری جغرافیایی از قبیل توپوگرافی و هیدرولوژی.

پ- مؤلفه‌های ساختاری طبیعی مثل رودها و دره‌ها.

ت- مؤلفه‌های حوزه‌ای و ساختی طبیعی همچون تنوع خاک، پوشش گیاهی و سرریز حوضه‌ها.

ج- مؤلفه‌های نقطه‌ای مثل چشمه‌ها یا تپه‌ها.

د- مؤلفه‌های نقطه‌ای خطی مثل مسیرهای آب.

ر- چون کوه، دشت، رود و تپه (Behzadfar, 2007, p.54-57).

فضاهای سبز از عوامل اصلی هویت‌بخشی در شهرها به‌شمار می‌روند. نظر به این که فضاهایی که فرم خطی دارند، از عناصر اکولوژیک بیشتری نسبت به مدل‌های کوچک، منقطع و جزیره‌ای برخوردارند، ایجاد ساختار پیوسته در حفظ و پایداری

حالت طبیعی موفق تر به نظر می‌رسد (Aminzadeh & KHansfid, 2010, p.25) و توجه پیوستگی این فضاها در طراحی و برنامه‌ریزی شهری از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد.

۵-۱- دیدگاه‌های هویت بخشی

از دیدگاه اجتماعی افزایش بهره‌وری مستلزم پیدایش هویت منسجم در ساختار شهر از دیدگاه ساکنین آن است و لازمه چنین امری ایجاد پیوندهای درونی میان عناصر طبیعی و تاریخی یک مجموعه است. کیفیت مطلوب اجتماعی و ساختار مناسب کالبدی زیست محیطی در شهر، به رشد اقتصادی نیز کمک می‌نماید (Hamidi et al., 1997, p.35). از دیدگاه بیشتر نظریه پردازان هویت شهر با کالبد، انسان و فعالیت‌های انسانی ارتباط دارد. بدون شک عنصری که به تقویت عوامل فوق بپردازد، هویت بخش شهر خواهد بود.

در نظر بیشتر روانشناسان محیطی، فضا، فعالیت و معنی عناصر سازنده هویت هستند. هم هویت فردی بر ساختار اجتماعی شهر تأثیر دارد و هم تجربه ادراکی فرد از محیط با پویایی رفتار او ارتباط دارد (Naghizadeh, 2007, p.134). دیدگاه روانشناسی اجتماعی ارتباط رفتارها با محیط زندگی انسان را بررسی کرده و تداوم عناصر هویتی در محیط را در ادراک آن مؤثر می‌دانند. آن‌ها عقیده دارند محیط انسان را فراگرفته و هر چه شناخت انسان بیشتر شود درک هویت شهر به رایش امکان پذیرتر خواهد شد (Gifford, 1999, p.36). از دیدگاه‌های نظریه‌پردازان شهری، تفاوت موجود در محیط‌های اجتماعی، ویژگی‌های هویتی را تغییر می‌دهد. آن‌ها بر اهمیت تفاوت محیط با سایر محیط‌ها و لزوم تنوع بخشی برای تقویت خوانایی و هویت آفرینی تأکید دارند (Rapaport, 1987, p.93). در مبحث هویت، عناصر طبیعی، مصنوع و انسانی مؤلفه‌های هویت بخش شهر می‌باشند و نتیجه اثر متقابل هر یک از مؤلفه‌های فوق، هویت شهر را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲. مطالعه موردی

شهرکرد در دشت وسیع، سرسبز و حاصل‌خیز، محصور بین چند رشته کوه از سلسله جبال زاگرس به نام‌های تهلیجان، گل سرخ و جهان بین واقع گشته و در اغلب تحقیقات صورت گرفته بر هویت شهرکرد به عنوان شهری سرسبز و دارای طبیعت بکر تأکید شده است. در حال حاضر سرانه فضای سبز در شهرکرد بر اساس آمار سال جاری در حدود ۱۷ متر برای هر فرد می‌باشد که در مقایسه با شاخص تعیین شده از سوی دفتر محیط زیست سازمان ملل متحد (۲۰ تا ۲۵ مترمربع برای هر نفر) کمتر و در مقایسه با مقدار این سرانه در کشور ایران که بین ۷ تا ۱۲ متر مربع برای هر نفر است اندکی بیشتر می‌باشد. در بررسی وضعیت گذشته شهرکرد، به سه عامل منابع آب، مراتع و زمین‌های مستعد کشت و جنگل‌ها و فضاهای درختکاری شده، به عنوان زیر بنای هویت طبیعی شهرکرد بیشتر توجه شده است (Akhundi & zamanipoor, 2006, p.17).

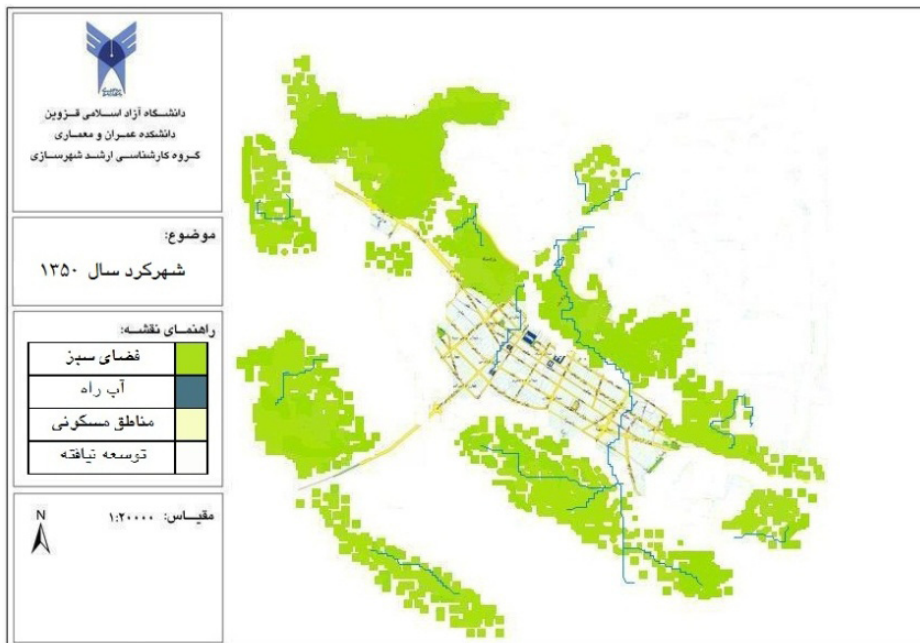
تا اوایل قرن حاضر مصارف آب خانگی و کشاورزی از طریق حفر چاه تأمین می‌شد. برای اولین بار در سال ۱۳۰۹ شمسی، آب قنات نافچ که حدود ۲۰ کیلومتر از شهرکرد فاصله داشت، به شهرکرد انتقال یافته و از آن پس آب در اغلب کوچه‌ها و خیابان‌ها در مدت ۲۴ ساعت جریان داشت و تا قبل از لوله‌کشی آب شهری، عموماً از این آب استفاده می‌شده است. وجود این قنات باعث آبادی و سرسبزی و طراوت شهر بوده به نحوی که قسمت عمده اراضی شهر را باغ و تعدادی ساختمان تشکیل داده بود. وجود نزولات جوی خاص منطقه و کثرت آب‌های سطحی، هویتی طبیعی به شهرکرد بخشیده و مسیرهای پیاده رویی در حاشیه نهرها و زمین‌های سرسبز در پناه درختان تنومند، تفرجگاه شهروندان بوده است. امروزه با خشک شدن نهرها و از بین رفتن مسیل‌ها در طول دهه‌های گذشته، از نشانه‌های هویت بخش شهری مانند دریاچه‌ها، رودها، پل‌ها و آسیاب‌های آبی، تنها نامی برجا مانده است.

تحقیقات نشان می‌دهد زمین‌های کشاورزی حاصلخیزی که در دشت شهرکرد وجود داشته، علاوه بر تأمین نیازهای اقتصادی مالکین، فضای مناسبی برای مراجعین به طبیعت و چشم‌انداز زیبایی برای ساکنین شهر بوده است. این نواحی بیشتر از جانب شمال آن مورد بهره‌برداری قرار گرفته و خصوصاً در بخش غیر خصوصی روند تغییر کاربری بالاتر بوده است. مالکان خصوصی این زمین‌ها که در بیشتر موارد به دامپروری و کاشت مقدار محدودی علوفه مشغول شده‌اند برای ساخت سوله و احداث راه ارتباطی ماشین رو، میزان قابل توجهی از فضای سبز ناحیه را تخریب کرده و برای تخلیه نخاله‌ها و مواد زاید ساختمانی خود از زمین‌های بکر که دارای خاکی با کیفیت بالاتر بوده، استفاده کرده‌اند. این مسئله تا حدی است که لایه‌های خاک در بسیاری از نقاط پیرامون این نواحی، فاقد کیفیت لازم برای احیا و استفاده مجدد شده است و فقط گونه خاصی از گیاهان در این ناحیه قادر به ادامه حیات شده‌اند.

درختان کبوده و چنار واقع در جنوب شهر (درب ده) در تابستان تأثیر زیادی در جلوگیری از نفوذ گرد و غبار داشته، در زمستان به‌علت ساختار شیارگونه، از نفوذ سوز و سرما به‌طور مستقیم به شهر جلوگیری می‌نمودند. وجود این درختان علاوه بر نقش مهمی که در جلوگیری از آلودگی هوا داشت، به‌جهت در دسترس بودن، امکانات رفاهی مناسبی برای

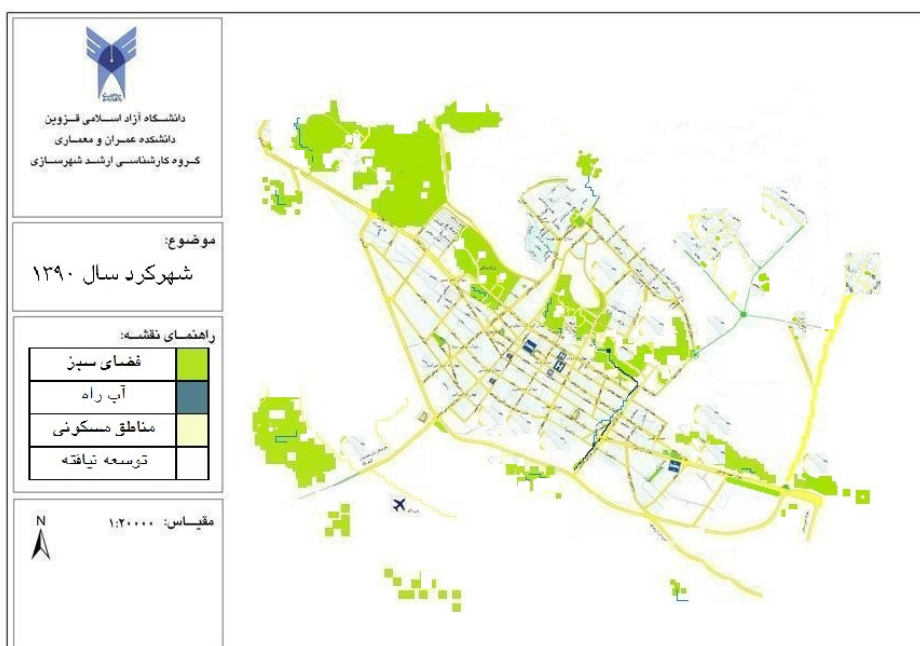
گذران اوقات فراغت داشته، و تأثیرات روانی زیادی بر کیفیت زندگی شهروندان داشته است. در سال‌های اخیر احداث فرودگاه، رعایت حریم برای تأسیسات مربوط به آن و احداث چاه‌های عمیق در این ناحیه، حیات را برای این درختان غیر ممکن نموده و در حال حاضر تعداد اندکی از آن‌ها باقی مانده است. نقشه ۱ وضعیت فضای سبز شهر کرد و پیرامون آن را در سال ۱۳۵۰ نمایش می‌دهد.

نقشه ۱: وضعیت فضای سبز شهر کرد در سال ۱۳۵۰ شمسی



بنابر بررسی‌های انجام گرفته روند گسترش شهر در سال‌های گذشته به گونه‌ای بوده است که از منابع آب، فضاهای سبز داخل شهر و باغ‌های پیرامون، به میزان قابل توجهی کاسته شده و متأسفانه همچنان تهدیدی برای هویت طبیعی شهر به حساب می‌آید. نقشه ۲ وضعیت فضای سبز شهر کرد و پیرامون آن را در سال ۱۳۹۰ نمایش می‌دهد.

نقشه ۲: وضعیت فضای سبز شهر کرد در سال ۱۳۹۰



۳. تحلیل وضعیت موجود

هویت شهر با کالبد، انسان و فعالیت‌های انسانی ارتباط دارد و فضا، فعالیت و معنی عناصر سازنده هویت هستند. عناصر طبیعی، مصنوع و انسانی مؤلفه‌های هویت بخش شهر می‌باشند. نتایج حاصل از مطالعه مبانی نظری نشان می‌دهد ارتباط میان انسان و طبیعت برای هویت بخشی به شهرها ضروری بوده و در برنامه‌ریزی فضای سبز، شناخت نیازهای ساکنین، تحلیل منظرهای شهری، مکانیابی و توجه به هویت مصنوع شهرها، از اهمیت فراوانی برخوردار است. فضای سبز از مهم‌ترین ابزارهای هویت بخشی طبیعی به شهرها است. افزایش جمعیت، توسعه شهری کنترل نشده و نیاز به زمین برای احداث مسکن و ملزومات آن، فضای سبز طبیعی و هویت شهر را دستخوش تغییر نموده است. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین جایگاه برای مطالعات مربوط به ایمن‌سازی قلمروی اکولوژیک شهرها، در برنامه‌ریزی شهری و اتصال این اقدامات، به اقدام‌های شهرسازی باشد. از این رو لازم است با وضع قوانین و مقررات مناسب، اقدام‌هایی در راستای حفظ ساختار اکولوژیک منطقه انجام داد.

با توجه به شرایط آب و هوایی مناسب، بالا بودن میزان علاقه و مراجعه به فضاهای سبز شهری از سوی شهروندان، پیشینه فرهنگی و تاریخی طراحی و اجرای باغ‌ها و فضاهای سبز، کم بودن محدودیت منابع آب و وجود تشکلهای غیردولتی زیست محیطی در شهرکرد، پیشنهادهای زیر ارائه شده است:

۱. چشمه‌ها، نهرها و مسیل‌های آب از عناصر طبیعی هویت بخش شهرکرد بوده‌اند. احداث دریاچه طبیعی حتی به شکل فصلی، تأثیر زیادی در بالا رفتن سطح آب‌های زیر زمینی و افزایش رطوبت منطقه دارد. همه ساله هزینه‌های زیادی صرف مهار، کنترل و انتقال آب‌های سطحی به خارج از شهر می‌شود. خلق چنین فضاهایی علاوه بر مزایای اقتصادی و زیست محیطی، مزایای اجتماعی و فرهنگی نیز در پی داشته و نقش مهمی در ارتقاء هویت طبیعی شهرکرد خواهد داشت. وجود منابع آب در منطقه، نقش مهمی در افزایش پوشش گیاهی و حفظ پیوستگی فضاهای سبز پیرامون دارد.
۲. دالان‌های سبز طبیعی و زمین‌های حاوی خاک مرغوب و مستعد کاشت، همواره مورد تهدید گسترش شهرهاست. با تخصیص این مناطق و در نظر گرفتن حریم مناسب، از ساخت و ساز در آن نواحی جلوگیری کرده و یا با اختصاص کاربری فضای سبز شهری به آن‌ها، هم از لحاظ زیست محیطی و هم از لحاظ اقتصادی گام موثری در پایداری شهر برداشته می‌شود. در این ارتباط توجه به مکان‌یابی کاربری زمین برای گسترش آینده شهر و استفاده از مدل‌های مناسب، پیشنهاد می‌شود.
۳. بررسی‌ها نشان می‌دهد معابری که فاقد پوشش گیاهی مناسب هستند در جذب افراد پیاده موفقیت کمتری داشته و تمایل عابرین به استفاده از وسایل نقلیه در آن‌ها بیشتر می‌باشد. خیابان‌های درختکاری شده در فصل تابستان ایجاد سایه کرده و در فصل زمستان از نفوذ باد و سرما جلوگیری می‌نمایند، مسیرهای مناسبی برای پیاده روی ایجاد می‌کنند به خصوص اگر در حد فاصل پارک‌ها و سایر فضاهای سبز شهری نیز واقع باشند.
۴. فضای سبز جاده‌هایی که به طور مستقیم یا از طریق کمربندی به درون شهر راه می‌یابند نیز امکان توسعه فضای سبز شهری را دارند. به منظور گسترش این فضاها و پیوند آن‌ها با فضای سبز خارج از شهر، احداث باغچه‌های مشارکتی یا استیجاری، در مکان مناسب، توسط بخش خصوصی و با نظارت شهرداری‌ها، پیشنهاد می‌گردد.
۵. لازمه ایجاد توالی و پیوستگی در ادراک منظر شهری، رعایت معیارهای مکانی مناسب است. یکی از این راهکارها ایجاد محورهای سبز است. این محورها مشتمل بر محورهای سبز درون شهر و برون شهر می‌باشند. امروزه توجه به کریدورهای دید و استفاده از عناصر و نشانه‌های تاریخی در خلق فضاهای عمومی درون شهری کاربرد فراوانی دارد.

۴. نتیجه‌گیری

شهرکرد و سکونتگاه‌های اطراف آن، در گذشته دارای بافت منسجم طبیعی و تنوع زیست محیطی مناسب بوده است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد توسعه شهر و تغییر کاربری‌ها در سال‌های اخیر، به قطع پیوستگی فضاهای سبز داخلی و پیرامون آن منجر شده است. این مسأله علاوه بر اثرات منفی بر بازدهی اکولوژیک، تهدیدی برای هویت طبیعی شهر بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد اغلب این تغییرات به علت بی‌توجهی به ساختار طبیعی شهر صورت گرفته است. وجود شبکه پیوسته از فضاهای سبز، نقش مهمی در حفظ ساختار طبیعت‌گرای شهر ایفا کرده و تأثیر زیادی در هویت بخشی طبیعی به شهر داشته است. برنامه‌ریزی شهری مناسب می‌تواند مناسب‌ترین جایگاه برای حفظ قلمروی اکولوژیک شهرها باشد به همین منظور راهکارهایی برای حفظ پیوستگی فضاهای سبز، با هدف ارتقاء هویت طبیعی شهر ارائه شده است.

References

- Agnew, A. J., Mercer, J., & Sopher, D. (1984). *The City In Cultural Context*. Routledge Press.
- Akhundi, A., & Zamanipoor, B. (2006). *Cultural Heritage, Handicrafts And Tourism Profile Of CHaharmahal Va Bakhtiari Province*. SHahrekord: Teyfnegar.
- Aminzadeh, B., & Khansefid, M. (2010). Green Roofs And Adjacent Level Ground Habitats. *Springer Science, Urban Ecosystem*, 25.
- Bahramsoltani, K. (2005). *The Basics Of Urban Green Space Architecture, Architecture And Urban Department Of Housing And Urban Ministry*. Tehran: Did Publication.
- Barrow, C. J., (1995). *Sustainable Development: Concept, Value And Practice Twpr*. Great Britain: Urban Studies.
- Behzadfar, M. (2007). *The Urban Identity, Looking In To Tehran As A City*. Tehran: Tehran.
- Dehkhoda, A. (1993). *Dehkhoda Dictionary*. Tehran: Tehran University Publication.
- Gifford, Robert. (1999). Character And Environment. (N. Javaherian, M. Baniyasi & N. Pahlevansharif, Trans.). *Culture And Architecture Journal*, 2 & 3, ۳۶.
- Hamidi, M., Sabri, R., Habibi, M., & Salimi, J. (1997). *The Structure Of Tehran As A City* (Vol. 1). Tehran: Technical And Constructional department Of Tehran Municipality.
- Moien, M. (2007). *Persian Dictionary Of Moein*. Tehran: Amirkabir.
- Naghizadeh, M. (2007). *Urban Identity And Beauty Cognition In Islamic View*. Esfahan: Urban department Of Isfahan Municipality.
- Rapaport, A. (1987). *The Cultural Origin Of Biological Complexes*. (R. Rezazadeh, Trans.). Tehran: Iran University Of Science & Technology.
- Rezazadeh, R. (2001). The Cognitive Behavioral Crisis In Urban Space. *Shahrdariha Magazine*, 23, ۹.
- Roseland, M., Davidson, G. & Don, A., (2003). *Ecocity Dimensions: Healthy Communities, Healthy Planet*. Ed. Cities, B, 2.
- Tebalds, Francis. (2008). *Human-Centered Cities: Improving Urban Environment In Large And Small Cities*. (H. Laghai & F. Jadali, Trans.). Tehran: Tehran University Press.